

کارل مارکس

گروندریسه (۲)

مبانی نقد اقتصاد سیاسی

ترجمه‌ی

باقر پرهام و احمد تدین

www.ketab.ir



This is a Persian translation of
*Grundrisse, der Kritik der Politischen
Ökonomie. (Roheut Wurf)*

by Karl Marx
1857-1858, Anhang 1850-1859, MELI, Moskau,
Diets Verlag, Berlin

Translated by B. Parhām & A. Tadayon
Sepehrekherad Publishing House, Tehran, 2022
sepehrekheradpub@gmail.com

سرشناسه: مارکس، کارل، ۱۸۱۸ - ۱۸۸۳ م. Marx, Karl
عنوان و نام پدیدآور: گروندریسه: مبانی نقد اقتصاد سیاسی / کارل مارکس؛ ترجمه‌ی
باقر پرهام و احمد تدین.

مشخصات نشر: تهران: چاپ اول / سپهر خرد، ۱۴۰۰
مشخصات ظاهری: ۲ ج

شابک: دوره ۷-۴-۹۶۵۷۴-۶۲۲-۹۷۸؛ ج ۲-۱-۶-۹۶۵۷۴-۶۲۲-۹۷۸؛
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان اصلی: Karl Marx's Grundrisse : foundations of the critique of
political economy 150 years later, 2008.
یادداشت: کتابنامه: چاپ قبلی انتشارات آگاه

موضوع: مارکس، کارل، ۱۸۱۸ - ۱۸۸۳ م. گروندریسه: مبانی نقد اقتصاد سیاسی
موضوع: Marx, Karl, 1818-1883 . Grundrisse der Kritik der politischen Ökonomie

موضوع: اقتصاد مارکسیستی

Marxian economics موضوع:

شناسه افزوده: پرهام، باقر، ۱۳۱۳ - مترجم

شناسه افزوده: تدین، احمد، ۱۳۴۳ - مترجم

رده بندی کنگره: HF ۹۷/۵

رده بندی دیویی: ۳۳۵/۴۱۲



نشر سپهرخرد

کارل مارکس

گروندریسه (۲)

(مبانی نقد اقتصاد سیاسی)

ترجمه‌ی: باقر پرهام، احمد تدین

چاپ یکم، پاییز ۱۴۰۰، آماده سازی: دفتر نشر سپهرخرد (کاوه پرهام)

طراح جلد: محمود رضا لطیفی، ناظر چاپ: روح‌الله صادقی

چاپ و صحافی: فرهنگ بان

شمارگان: ۲۲۰ دوره

همه‌ی حقوق چاپ و نشر این کتاب، محفوظ است

نشر سپهر خرد

اینستاگرام Sepehrekherad.pub

* مرکز بخش: کتاب دوستان

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۰۹۸۷، ۶۶۴۸۰۵۶۹، ۶۶۴۹۲۹۶۲

* فروش اینترنتی: www.agahbookshop.com

قیمت دوره ۲ جلدی: ۳۳۵۰۰۰ تومان

یادداشت مترجمان

سال ۱۸۵۷ (و اوایل ۱۸۵۸) که از نظر زمانی در نیمه راه انتشار مانیفست (۱۸۴۸)، و انتشار جلد یکم سرمایه (۱۸۶۴) است، سال نگارش گروندریسه است.

پیش از این هم مارکس در سال‌های ۷-۱۸۴۳ مطالعه فشرده‌ای درباره اقتصاد، مقوله‌های اقتصادی و نقد اقتصاد سیاسی انجام داده بود اما شرکت گسترده و فعال او در انقلاب‌های سراسری ۱۸۴۸ اروپا مانع ادامه این مطالعه شد. شکست انقلاب‌های ۱۸۴۸ و اقامت گریبان مارکس در لندن، بار دیگر زمینه مطالعه اقتصادی را برای او فراهم آورد و این بار نیز تا نیمه‌های سال ۱۸۵۵ اکثر اوقات خویش را به خواندن و یادداشت برداشتن از آثار اقتصادی تخصیص داد. شاید بحران اقتصادی سال ۱۸۵۷ در روی آوردن مجدد او به اقتصاد و مسائل اقتصادی، یکی از انگیزه‌های نگارش گروندریسه بوده است.

مارکس در ضمن همه مباحث گروندریسه به دو شخصیت برجسته و دو غول بزرگ دنیای اقتصاد و سیاست می‌پردازد؛ یکی دیوید ریکاردو، نظریه پرداز بزرگ اقتصاد سرمایه‌داری؛ و دیگری پی‌یر ژوزف پرودون، پیشوای فکری و سیاسی سوسیالیسم نیمه نخست سده نوزدهم.

ریکاردو (۱۸۲۳-۱۷۷۲) استاد توانای اقتصاد کلاسیک و سخنگوی بورژوازی صنعتی، سه دهه قبل مرده بود اما شهرت او با پای اوج‌گیری قدرت صاحبان صنایع، زیاده‌تر می‌شد. ریکاردو در نظریه‌های علمی و پراوازه خویش از ورود غله به انگلستان - که به نفع بورژوازی صنعتی و به زیان اشرافیت

زمیندار بود - جانبداری کرد و آن را به سود جامعه انگلیس دانست. و پس از مرگ، و به هنگامی که مارکس مشغول نگارش گروتندریسه بود، او در اوج شهرت خویش بود، و بت سرمایه داران صنعتی. مارکس در نقد نظریه های ریکاردو - و هواداران متعدد او - برداشت های علمی وی را در اقتصاد می پذیرد و مورد تأیید قرار می دهد و آراء نادرست وی را نیز موشکافانه آشکار، و رد می کند. به بعضی از همفکران ریکاردو - مثل کاری و مک کولوچ - می تازد که اندیشه های علمی او را درک نکرده یا با نادانی شان سبب به انحراف کشانیدن آن اندیشه ها شده اند.

پرودون (۱۸۰۹-۶۵) سوسیالیست شهیر فرانسوی، در دهه ۱۸۴۰ بر اندیشه سیاسی مارکس تأثیر عظیمی بر جای نهاده بود. مارکس در کتاب خانواده مقدس یکی از نوشته های پرودون را «تجلی بارز علمی پرتاریای فرانسه و متمایز از آثار انتقادی دیگر در این زمینه» شمرد و به این دلیل که پرودون خود را وقف آرمان پرتاریا کرده بود به او احترام نهاد اما از اواخر دهه ۱۸۴۰ به این نتیجه رسید که آراء و نظریه های پرودون به رغم ظاهر انقلابی شان - مثلاً: «مالکیت، دزدی است» - غیر عملی، رفرمیستی و غیر انقلابی اند. در فقر فلسفه، اندیشه های انحرافی کتاب فلسفه فقر پرودون را برملا کرد و در گروتندریسه تمامی نظریه های نادرست پرودون و هواداران او نظیر داریمون، شخص ساخت و مردود اعلام داشت. بی شک پرودون، به هنگامی که مارکس گروتندریسه را می نوشت، سخنگوی بی رقیب سوسیالیسم بود. اما مارکس به رغم اینکه ریکاردو از نظر فکری نقطه مقابل او، یا پرودون همفکر سیاسی اوست، آرائشان را بی پروا به نقد می کشد و درستی ها، یا نادرستی های آن و این را به دقت نشان می دهد.

گفتیم که دهه ۱۸۵۰ برای مارکس، دهه مطالعه و یادداشت برداری از نظریات اقتصادی است. وی در فاصله سپتامبر ۱۸۵۰ و اوت ۱۸۵۳، بیست و چهار دفتر درباره کالا، پول، سرمایه، کارمزدی، مالکیت زمین، بازرگانی بین المللی، تکنولوژی، اختراعات، اعتبار، تئوری جمعیت، تاریخ اقتصادی کشورها، ادبیات، بازار جهانی، استعمار و... تهیه کرد. مجموعه نظام پولی در مارس - آوریل ۱۸۵۱ نوشته شد و یادداشت برداری فشرده از آثار ریکاردو در آوریل - مه همان سال به پایان رسید. مطالعه این یادداشت ها نشان می دهد که مارکس با «تئوری ارزش اضافی» در روند تولید آشنا شده اما هنوز به کمال خرسیده است. کتاب نظام اعتباری بحران ها، در خلال نوامبر ۱۸۵۴ تا ژانویه ۱۸۵۵ نوشته شد. سال های

۱۸۵۵ و ۱۸۵۶ به دلایلی از مطالعات اقتصادی دست کشید و در هفته آخر اوت ۱۸۵۷ نگارش «مقدمه»^۱ گروندریسه را آغاز کرد و در نیمه سپتامبر به انجام رسانید. در اکتبر ۱۸۵۷ شروع به نوشتن دفتر اول کرد و تا نیمه ماه مارس ۱۸۵۸ تمامی کتاب - بجز چند صفحه‌ای که در پایان مه بدان افزود - نوشته شد.

سه مبحث عمده گروندریسه عبارت‌اند از: (۱) فصل پول؛ (۲) فصل سرمایه؛ (۳) «باستیا و کاری» و «مقدمه». «باستیا و کاری» زودتر از سایر قسمت‌ها و حتی پیش از «مقدمه» نوشته شده (ژوئیه ۱۸۵۷). معلوم نیست که مارکس می‌خواسته آن را به صورت کتابی جداگانه درآورد، بخشی از گروندریسه باشد، یا به جای «مقدمه» گروندریسه قرار گیرد. قدر مسلم آنکه بین «مقدمه» و فصل اول کتاب - «فصل پول» - رابطه منسجم و منطقی وجود ندارد. خود مارکس هم در سال ۱۸۵۹ به هنگام بازخوانی «فصل پول»، دیگر «مقدمه» را برای کتاب نقد اقتصاد سیاسی کافی و رسانی نمی‌داند: «... آن مقدمه‌ای را که نوشته بودم کنار می‌گذارم...» و تصمیم به نوشتن مقدمه دیگری برای گروندریسه می‌گیرد.

ره آورده‌های مارکس در خلال نگارش گروندریسه چشمگیر و پربار است. در ۱۶ ژانویه ۱۸۵۸ به هنگام کار بر روی دفتر چهارم، به انگلس می‌نویسد: «... به پیشرفت‌هایی رسیده‌ام. از جمله نظریه سود را به نحوی که قبلاً درک می‌کردم به یکباره کنار نهاده‌ام. در روش کارم منطقی شکل کمک فراوانی به من کرد» و با این ترتیب نظریه جدید مارکس در مورد سود ابتدا در گروندریسه مطرح می‌شود سپس به شکل ساخته و پرداخته‌اش در سرمایه ارائه می‌گردد. «نظریه ارزش» نیز نخست در گروندریسه طرح می‌شود. این نظریه به گفته مارکس: «... مهم‌ترین قانون اقتصاد کلاسیک و اساسی‌ترین قانون برای فهم مناسبات پیچیده...» [نامه به انگلس]؛ و «... نتیجه پانزده سال از بهترین سال‌های عمر و نخستین ارائه علمی از یک نگرش مهم از مناسبات اجتماعی...» [نامه به لاسال] است.

مارکس در بخش نخست گروندریسه در مورد کارهای آینده‌اش از چهار طرح گوناگون سخن می‌گوید. طرح یکم در «مقدمه»^۲ آمده و مقوله‌های کارمزدی، سرمایه، مالکیت زمین، شهر و روستا، سه طبقه بزرگ اجتماعی، گردش پول و کالا، نظام اعتبارات، دولت، طبقات نامولد، دیون دولتی، مستعمره‌ها، مناسبات بین‌المللی، صادرات و واردات، تقسیم کار بین‌المللی، بازار جهانی و بحران‌ها را در بر می‌گیرد. طرح دوم^۳ در واقع همان طرح اول است جز آنکه مارکس

به هنگام در نظر گرفتن آن طرح بر آن بوده است تا «مقدمه» را از آن حذف کند. از طرح های سوم^۴ و چهارم^۵ نیز در «بخش سرمایه» سخن می گوید و در نامه ای به انگلس کلاً از طرح شش کتاب گفتگو می کند: سرمایه، مالکیت زمین، کارمزدی، دولت، بازرگانی بین المللی و بازار جهانی. بازار جهانی به همراه نظام اعتباری در جلد سوم سرمایه آمده است. به احتمال زیاد دو اثر چاپ نشده مارکس (نرخ ارز و بحران ها) و نیز بخش هایی از گروندریسه و سرمایه، مصالح کتاب های پنجم و ششم طرح اخیر بوده اند. در طرح مارکس، نخستین کتاب از کتاب های شش گانه فوق، درباره سرمایه بود و چهار بخش - سرمایه عام، رقابت، اعتبار و سرمایه سهامی - را در بر می گرفت و سرمایه عام خود شامل سرمایه به طور اخص، ارزش، و پول بود.

بخش عمده گروندریسه شامل همین سه مقوله اخیر است: ارزش و پول در «بخش پول»^۶ و سرمایه در «بخش سرمایه»^۷ به تفصیل مورد بحث قرار گرفته اند. اما عوامل گوناگونی - بیماری، تنگدستی مستأصل کننده، مزاحمت مخالفان سیاسی، خاصه بنابارنیست ها - شروع مجدد فعالیت های سیاسی در لندن... - به مارکس فرصت به انجام رساندن حقیقه طرح را نداد. «فصل پول» در ۱۸۵۸ بازنویسی شد و قسمت های جدال برانگیز آن حذف گردید. در اوت ۱۸۶۱ و ژوئیه ۱۸۶۳، مارکس «فصل سرمایه» را بازنویسی کرد و دهنوشته هایی تهیه دید که بعدها جلد چهارم سرمایه را تشکیل دادند: (تئوری های ارزش اضافی)، دستنوشته ها در ۲۳ دفتر گردآوری شدند. همه این نوشته ها در فاصله سال های ۱۸۶۳ و ۱۸۶۵ بازنویسی شدند و جلد های دوم و سوم سرمایه بر پایه همین بازنویسی ها تنظیم شد. پیش از انتشار جلد اول سرمایه بار دیگر همه این نوشته ها مرور شدند تا هرچه کمتر ممکن است مسائل بغرنج و پیچیده اقتصادی به زبانی قابل فهم برای کارگران گفته شود هر چند به عقیده مارکس «... تلاش های عملی در راه انقلابی کردن یک علم هرگز نمی تواند امری عامه فهم نیز باشد».

مارکس در سال ۱۸۶۲ از طرح پیشین خود در مورد انتشار نقد اقتصاد سیاسی به صورت دفتر های جداگانه دست برداشت و از انتشار سرمایه در چهار بخش - سرمایه عام، رقابت، اعتبار، سرمایه سهامی - منصرف شد و همان تقسیم بندی گروندریسه در مورد سرمایه را مطلوب تر تشخیص داد. این تقسیم بندی شامل فراگرد تولید، گردش سرمایه، وحدت این دو، و تقسیم ارزش اضافی به سود و

بهره و اجاره می‌شد و با تاریخ تئوری‌های ارزش اضافی چهار مجلد را تشکیل می‌داد. رقابت و اعتبار و سرمایه‌سهمی، به صورت فصل‌هایی از سرمایه درآمدند. مارکس متقاعد شده بود که باید توجه خود را بر سرمایه متمرکز سازد. در نامه به کوگلمان می‌نویسد: «... تمرکز دادن توجه به «سرمایه عام» و نیز بر ارزش-پول، اصول اقتصاد سیاسی و جان کلام است».

بحث اساسی دیگر گروندریسه، شکل‌های اجتماعی مقدم بر سرمایه‌داری است.^۸ اهمیت این بحث در جامعه‌شناسی تاریخی به قدری بدیهی است که نیازی به توضیح ندارد. چکیده مطالب این بحث، تز پرآوازه مارکس در درآمدی بر نقد اقتصاد سیاسی است که بلافاصله پس از نگارش گروندریسه نوشته است. مارکس در آن مقدمه، شکل‌بندی‌های جماعت‌های اولیه، برده‌داری، تولید آسیایی، و فئودالی و تحول و تکامل آنها را فرمول‌بندی می‌کند. در دهه ۱۸۵۰ مطالعه جوامع ماقبل سرمایه‌داری آن‌چنان در کانون توجه مارکس و انگلس بود که انگلس در نامه مورخ ۶ ژوئن ۱۸۵۳ به مارکس یادآور می‌شود که برای فهم تاریخ شرق و گشودن گره نحوه شکل‌گیری جامعه‌های ماقبل سرمایه‌داری، خواندن زبان فارسی را لازم می‌داند و یادگیری آن را آغاز می‌کند. مطالعه این قسمت، نحوه نگرش و بینش مارکس نسبت به تاریخ را نشان می‌دهد. مارکس به دنبال این بررسی‌ها با قاطعیت اعلام می‌کند که پس از پیشرفت تاریخ، علمی و جبری است، و از تحول ادواری تعارض و کشمکش نیروهای تولیدی، و «مراحل انقلاب اجتماعی» سخن می‌گوید.

مطلب دیگر اینکه، مارکس با نگارش گروندریسه می‌خواست مطالب مورد بررسی در اقتصاد و مقوله‌های اقتصادی را برای خودش روشن سازد و بدیهی است که این نوشته‌ها روانی و روشنی سرمایه و نقد اقتصاد سیاسی را نداشته باشند، چون مطالب به صورت کوتاه یادداشت برداری شده‌اند اما دشواری فهم گروندریسه تنها بدین علت نیست؛ انتزاعی بودن مطلب بر پیچیدگی کتاب می‌افزاید و فهم آن را دشوار می‌کند. اما در عین حال، حسن گروندریسه در آن است که با شیوه علمی نگارش مارکس و نحوه کار او آشنا می‌شویم. تفاوت اساسی سرمایه و گروندریسه هم تا حد زیادی در همین نحوه ارائه مطلب است و گرنه ساختار دو اثر همانندند. منطقی حاکم بر هر دو کتاب، دیالکتیک است اما مارکس، سرمایه را برای فهم همگان، «مردمی‌تر» و با نثری روان‌تر ارائه کرده

است. مارتین نیکولاس، مترجم انگلیسی گروندریسه، معتقد است اگر مارکس در سال ۱۸۵۸ درگذشته بود گروندریسه امروز از همان مقبولیت سرمایه برخوردار بود. در اینجا بد نیست یادآوری کنیم که گروندریسه با مقوله «تولید مادی»^۹ و سرمایه با «کالا» آغاز می‌شود.

احمد تدین

منابع و یادداشت‌ها

۱. گروندریسه: مبانی نقد اقتصاد سیاسی، ترجمه باقر پرهام، احمد تدین، انتشارات آگاه، تهران ۱۳۶۲، ص ۳۹-۳.
 ۲. همان مأخذ، ص ۳۶-۳۵.
 ۳. همان مأخذ، ص ۱۷۸.
 ۴. همان مأخذ، ص ۲۲۴.
 ۵. همان مأخذ، ص ۴۴-۲۳۷.
 ۶. همان مأخذ، ص ۱۹۳-۴۴.
 ۷. همان مأخذ، ص ۱۹۵ تا آخر کتاب.
 ۸. همان مأخذ، ص ۴۶۸ به بعد.
 ۹. همان مأخذ، ص ۵.
- در تهیه پیشگفتار فوق علاوه بر متن گروندریسه، منابع ذیل نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند:

1. A Foreword, Martin Nicolaus in Grundrisse, Foundations of the Critique of Political Economy, by Karl Marx, New York, Vintage Books, 1973.
2. Karl Marx, A Contribution to the Critique of Political Economy, Moscow, Progress Publishers, 1970 (Introduction: By Maurice Dobb).
3. Karl Marx, Pre-capitalist Economic Formations, With An Introduction by Eric Hobsbawm, London, Lawrence and Wishart, 1978.
4. Barry Hindess and Paul Q. Hirst, Pre-capitalist Modes of Production, London, Routledge and Kegan Paul Ltd. 1977.